

رابطه عمل و اخلاق چیست و آیا اخلاق قابل تغییر است؟

رابطه عمل و اخلاق چیست و این دو چه اثراتی بر یکدیگر دارند؟

رابطه عمل و اخلاق، سازوکار تبدیل اعمال به خصوصیات اخلاقی را مشخص می‌کند و نشان می‌دهد که ما چه فرآیندی را طی کرده‌ایم تا به شخصیت فعلی مان برسیم. درک رابطه عمل و اخلاق یکی از مهم‌ترین ملزومات خودسازی و خودشناسی است و به اصلاح خصوصیات اخلاقی و رفتاری کمک فراوانی می‌کند.

تابه حال شده از دست بعضی خصوصیات اخلاقی‌تان به ستوه بیایید و دل‌تان بخواهد آن‌ها را تغییر دهید؟ آیا تلاشی هم در این زمینه کرده‌اید؟ تلاش‌تان تا چه اندازه موفقیت‌آمیز بوده؟ اصلاً به نظر شما می‌توان خصوصیات اخلاقی را تغییر داد، یا باید آن‌ها را به‌عنوان یک امر ثابت و غیرقابل تغییر بپذیریم؟

«من نمی‌توانم تغییر کنم؛ باید مرا با همین خصوصیات بپذیرید!» احتمالاً شما هم این جمله را از زبان افرادی که قصد ندارند خصوصیات اخلاقی بد خود را اصلاح کنند، شنیده‌اید. اما این جمله چه قدر صحت دارد؟ واقعیت این است که شخصیت همه ما به طور پیوسته در حال تغییر است و کسی نمی‌تواند ادعا کند که از چند سال پیش تا حالا هیچ تغییری نکرده. این تحولات در اغلب مواقع آن قدر آشکار است که اگر شخصیت امروز کسی را کنار شخصیت ده سال پیشش بگذاریم، به نظر می‌رسد که با دو فرد کاملاً متفاوت روبه‌روئیم. بنابراین تغییر شخصیت به صورت خودبه‌خود و ناخودآگاه در حال رخ دادن است، اما مسئله این است که آیا می‌توانیم این تغییرات را تحت کنترل خود دریاوریم؟ آیا می‌توانیم آن‌چه را که هستیم، به آن‌چه که می‌خواهیم باشیم، تبدیل کنیم؟ پاسخ این سؤالات در گرو شناختن رابطه عمل و اخلاق است، اما رابطه عمل و اخلاق به چه شکل است و چگونه می‌توان از این رابطه برای اصلاح خصوصیات اخلاقی نامطلوب بهره گرفت؟

رابطه عمل و اخلاق چیست و عمل چگونه به خلق تبدیل می‌شود؟

همان‌طور که در درس‌های گذشته گفتیم، اعمال ما در اثر تداوم و تکرار به کسب تبدیل می‌شوند و کسب‌های ما خصوصیات اخلاقی ما را می‌سازند. به عبارت دقیق‌تر هر عمل خوب یا بدی اثری را در نفس باقی می‌گذارد و تکرار عمل به‌خصوص اگر با میل و رغبت همراه باشد، آن را به خلق یا ملکه اخلاقی تبدیل می‌کند. وقتی یک عمل در اثر تکرار به ملکه اخلاقی تبدیل شود، در نفس رسوخ می‌کند و از آن به‌بعد نفس به‌طور دائم و ناخودآگاه آن خلق را تولید می‌کند.

به‌طور مثال وقتی کسی به تعداد بسیار محدود و آن‌هم از روی اکراه و اجبار دروغ بگوید، این دروغ‌گویی در حد عملی گذرا باقی می‌ماند و تبدیل به کسب یا خلق نمی‌شود، اما اگر همین عمل تداوم پیدا کند، کار فرد به جایی می‌رسد، که بی‌اختیار و سر هر مسئله ریز و درشتی و حتی جاهایی که منفعت خاصی برایش ندارد دروغ می‌گوید؛ چون در اثر تکرار عمل او تبدیل به خلق شده و در نفسش جا خوش کرده است. ممکن است که این دروغ‌گویی خود او را هم عذاب بدهد، اما چون جزئی از وجودش شده، دیگر نمی‌تواند از آن فرار کند. در واقع به‌جای آن که او اختیار زبانش را داشته باشد، زبانش اختیار او را به‌دست می‌گیرد!

این رابطه در مورد اعمال خوب هم صادق است. مثلاً کسی که بارها و بارها خوی سخاوت‌مندی و بخشندگی را تمرین کند، کم‌کم به مرحله‌ای می‌رسد که این خصلت در او نهادینه می‌شود. پس از آن، نفس او دائماً این خصلت را تولید می‌کند و دیگر لازم نیست برای هدیه دادن، قرض دادن، انفاق کردن و سایر اعمالی که به سخاوت‌مندی احتیاج دارند، به خودش سخت بگیرد و انرژی زیادی صرف کند. عمل و اخلاق از نظر عقوبت و جزای اخروی نیز باهم تفاوت دارند، جهنم اخلاق بسیار سخت‌تر و دردناک‌تر از جهنم اعمال است، که البته درباره آن در درس‌های بعدی به تفصیل صحبت خواهیم کرد.

با توجه به نکاتی که گفتیم، رابطه عمل و اخلاق یک رابطه دوطرفه است. یعنی عمل خوب یا بد در اثر تداوم و تکرار ملکه اخلاقی را به‌وجود می‌آورد و ملکه اخلاقی به نوبه خود، مجدداً همان عمل را تولید می‌کند. البته لفظ «عمل» دامنه بسیار وسیعی را دربرمی‌گیرد و تنها محدود به کارهایی که با اعضا و جوارح‌مان انجام می‌دهیم، نیست. نیت‌ها و افکار ما هم جزئی

از اعمال ما هستند و همان آثاری را در نفس ایجاد می‌کنند، که سایر اعمال ایجاد می‌کنند. اگر برای مدتی طولانی نیت پلیدی را در دل مان نگه داریم و هیچ تلاشی برای مقابله با آن نکنیم، این نیت جذب نفس می‌شود و به مرور باطن انسانی ما را تغییر می‌دهد؛ حتی اگر هیچ‌گاه بروز و ظهور پیدا نکند. هم‌چنین اگر نیت پاکی داشته باشیم، ولو فرصت به ظهور رساندن آن را پیدا نکنیم، همین نیت در درون ما تبدیل به نور می‌شود و دائماً خیر و برکت تولید می‌کند.

حالا که رابطه عمل و اخلاق را دانستیم، می‌توانیم از این آگاهی برای اصلاح خصوصیات اخلاقی نامطلوب و تبدیل آن‌ها به خصوصیات مطلوب بهره بگیریم، اما چگونه؟

اصلاح خصوصیات اخلاقی نامطلوب

با توجه به رابطه عمل و اخلاق دانستیم که مسیر شکل‌گیری اخلاق از اعمال می‌گذرد؛ پس اگر اعمال مان را اصلاح کنیم، اخلاق مان خودبه‌خود اصلاح می‌شود. همان‌گونه که یک ورزش‌کار برای رسیدن به مهارت بدنی به‌جای این که هزاران حرکت مختلف را یک‌بار انجام بدهد، یک حرکت را هزاران بار تمرین می‌کند، ما هم برای رسیدن به مهارت و دارایی در نفس و تبدیل یک عمل خاص به کسب باید روی همان عمل تمرکز کنیم، نه این که اعمال مختلف و متنوع را بدون برنامه و از روی تفنن انجام بدهیم. به همین جهت در آموزه‌های دینی و معرفتی آمده است که وقتی عمل خیری را شروع می‌کنید تا یک سال بر انجام آن مداومت داشته باشید. با این برنامه منظم و پیوسته آن عمل در نفس ما تبدیل به کسب و دارایی می‌شود.

البته قبول داریم که چنین کاری در ابتدا ساده نیست! ما سال‌های سال با خصوصیات اخلاقی امروزمان زندگی کرده‌ایم و آن‌ها اکنون جزئی از وجود ما شده‌اند. طبیعتاً جدا کردن آن‌ها از نفس، مانند جدا کردن یک غده سرطانی است که لابه‌لای سلول‌های سالم ریشه دوانده و به آن‌ها چسبیده است. کندن این غده طبیعتاً با درد و رنج همراه است، اما اگر بدانیم که ماندن آن چه عواقب سنگینی را در حیات پس از مرگ به دنبال دارد، همین حالا کمر همت را می‌بندیم و خود را برای یک جهاد

بزرگ با نفس آماده می‌کنیم. خوشبختانه ما تا زمانی که در رحم دنیا هستیم، فرصت اصلاح تمام آلودگی‌های روحی و اخلاقی‌مان را داریم؛ چون همان‌طور که قبلاً گفتیم، هر یک ساعت دنیا می‌تواند، ما را هزاران سال در نظام ابدی جلو بیندازد. به‌عنوان نکته پایانی لازم است اشاره کنیم، که خصوصیات اخلاقی ارثی ما هم جزئی از کسب‌های ما هستند و تنها تفاوت‌شان با خصوصیات اکتسابی این است که از طریق والدین و اجدادمان به ما رسیده‌اند و خودمان سهم چندانی در ایجادشان نداشته‌ایم. با این حال، همان روشی که برای اصلاح خصوصیات اخلاقی اکتسابی گفتیم، برای خصوصیات ارثی هم کاربرد دارد و این‌گونه نیست که این خصوصیات قابل اصلاح و درمان نباشند. در درس‌های بعدی درباره ابعاد دیگر مقوله کسب بازهم صحبت خواهیم کرد.